

# عالم آرای امینی

نوشته: فضل... روزبهان خنجی  
اثری با ارزش در تاریخ آق‌قویونلو و اوایل صفویان

● محمدباقر وثوقی

حواشی بر حواشی شرح جدید را به رشته تحریر در آورد. او در این دوره کتاب‌بندی الزمان فی‌قصه‌حی بن یقظان را نوشت که در آن «بیان کیفیت تدرج نفس ناطقه انسانی به مراتب قوه‌نظری و عملی با فواید جلیله و تحقیقات جزیه متاخران در ضمن داستان دلستان اندراج یافته...» (۲) او دیباچه‌کتاب را بنام **سلطان یعقوب آق‌قویونلو** کرد و در سال ۸۹۲ ه. ق که عازم سومین سفر حج بود در سهند تبریز به‌پادشاه نامبرده تقدیم داشته و مورد تحسین قرار گرفت. در همان مجلس بنا به میل خود موظف به تالیف تاریخ‌سلطان مذکور گردید و به نوشتن کتاب **عالم‌آرای امینی** مشغول شد. خنجی پس از خلع **بایسنقر میرزا** در سال ۸۹۸ ه. ق توقف بیشتر در دربار آق‌قویونلو را برای خود مناسب‌نیافته و قلمرو آشوب زده آن حکومت را ترک کرد و به‌وطن خود اصفهان بازگشت. (۳) پیش از این از زندگانی او بین سالهای ۸۹۸ تا ۹۱۰ ه. ق اطلاع چندانی در دست نبود و محققین در مورد چگونگی زندگی روزبهان‌خنجی اختلاف نظر داشته‌اند اما انتشار یک نسخه خطی منحصر بفرد از او در سال ۱۳۴۸ خورشیدی توسط ایرج‌اقشار (۴) همچنین انتشار نوشته‌ای منسوب به روزبهان خنجی به نام **وسيله‌الخادم الی‌المخدوم** در سال ۱۳۷۲ ه. ش توسط رسول جعفریان (۵) اطلاعات تازه‌ای را از زندگانی او به دست داده است. براساس یافته‌های جدید، خنجی در سال ۹۰۷ ه. ق اقدام به نوشتن کتابی با نام **هدایه‌التصدیق الی حکایه‌الحریق** کرده که به تصریح خودش آن را در ماه شوال همان سال در شهرستان جی اصفهان به اتمام رسانیده است. این رساله به دستخط نویسنده برجای مانده و ارزش فراوانی دارد. خنجی پس از آن از اصفهان به کاشان مهاجرت کرده و کتاب جنگالی خود با نام **ابطال نهج‌الباطل** که ردیه‌ای بر کتاب نهج‌الحق علامه حلی است را نگاشت. این کتاب باعث برانگیخته شدن نویسندگان شیعی‌مذهب گردید و ردیه‌های بسیاری بر آن نوشته شد و براساس همین اصل روزبهان خنجی به‌عنوان نویسنده‌سنی مذهب و ضد شیعی در محافل مذهبی و سیاسی عصر شهرت یافت، اگرچه با نگاهی عمیق



کتاب **عالم‌آرای امینی تصحیح و وودز مشتمل بر یک دیباچه و سی و پنج بخش در وقایع و حوادث تاریخی ایران بین سالهای ۸۸۲ تا ۸۹۷ ه. ق است. این ایام شامل دوران دوازده ساله سلطنت سلطان یعقوب و بخشی از حکمرانی سلطان ابوالفتح میرزا بایسنقر و در واقع دوران شکل‌گیری زمینه‌های انتقال دائمی قدرت به صفویه است که یکی از مهمترین ادوار تاریخی ایران محسوب می‌گردد**

■ تاریخ عالم‌آرای امینی  
■ فضل... بن روزبهان خنجی اصفهانی  
■ تصحیح: جان وودز  
■ همراه با ترجمه مختصر متن به انگلیسی  
■ توسط ولادیمیر مینورسکی  
■ لندن: انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی در بریتانیای کبیر و ایرلند، ۱۹۹۲

افضل‌الدین فضل... بن روزبهان بن فضل... بن محمد خنجی ملقب به امین و معروف به خواجه‌ملاقاضی پاشا که به شیرازی و اصفهانی نیز موسوم می‌باشد یکی از متفکرین و مورخین پرکار نیمه دوم قرن دهم و اوایل قرن یازدهم هجری به شمار می‌آید. تولد او بین سالهای ۸۵۲ تا ۸۶۰ ه. ق و وفاتش به سال ۹۲۷ ه. ق است. دوره فعالیت این متفکر جنگالی‌همزمان با فروپاشی قدرت تیموریان آغاز گردید و باروی کار آمدن شاه اسماعیل و تثبیت قدرت صفویه به‌پایان رسید.

او روزگار طفولیت و دوره جوانی خود را در شیراز به‌سر برد و پس از تعلیم قرآن و مبادی اولیه تحصیلات، در سن هفده سالگی برای ادای فریضه حج به مسافرت رفت و در بازگشت به زادگاه خود شیراز جد و جهد بلیغی برای تکمیل تحصیلات و درک کمالات بخرج داد و در علوم مختلف عقلی و نقلی توفیق فراوانی یافت.

وی مجدداً در سن بیست و پنج سالگی به قصد انجام حج بار سفر بسته، مدتی در مصر و چندی در حجاز به تکمیل تحصیلات همت گماشت. او مدت هفت ماه در مدینه نبوی نزد استادان فن و مشایخ بزرگ حجاز «صحیحین و مسلم» را خواند. یکی از مشهورترین مشایخ وی **ابوالخیر شمس‌الدین محمد سخاوی** از بزرگترین شاگردان ابن حجر بود که نزد وی تمام «صحیح مسلم» را قرائت کرده و همین سخاوی در **الضوء اللامع** شرح حالی از شاگرد خود نوشته است. (۱)

فضل... بن روزبهان خنجی پس از مراجعت به‌وطن خود در شیراز به تدریس علوم مختلف اشتغال‌جسته و تصنیفات اولیه خود از قبیل **حل تجرید، تعلیقات بر محاکمات و**

بفروخته‌های او می‌توان دریافت که او یکی از معتقدان مؤمن به ولایت و از زمره نویسندگان «سنی عالی» است که ائمه را با دیده احترام و ستایش غلومیز - از دیدگاه اهل سنت - ستوده است. انتشار رساله **وسيله الخادم الی المخدموم** در سال ۱۳۷۲ که براساس نسخه منحصر به فردی از کتابخانه مرعشی قم صورت پذیرفته پرسش‌های جدیدی را پیش روی محققین گذاشته است. این رساله در سال ۹۰۹ هـ. ق و تنها چند ماهی پس از تالیف ابطال نهج الباطل و در کاشان نوشته شده است و سراسر آن اشعاری فارسی در مدح چهارده معصوم است که وابستگی عمیق نویسنده را به تفکرات شیعی غالی نشان می‌دهد. بسیار زود است که این نوشته را محقق تالیف خنجی بدانیم، شواهدی در دست است که اصالت انتساب آن به خنجی را مورد تردید قرار دهد که از آنجمله می‌توان به عدم تطابق سیاق نوشتاری و سبک الخادم با دیگر نوشته‌های خنجی و همچنین افتادگی یک صفحه از نسخه که راجع به زندگانی مولف و نیز عدم معرفی این رساله در کلیه مراجع متقدم و متاخر تحقیق پیرامون خنجی یاد کرد. اقامت او در کاشان به سال ۹۰۹ هـ. ق. مصادف با لشکرکشی گسترده **شاه اسماعیل** به عراق شد، خنجی ناگزیر ایران را در سال ۹۱۰ به قصد نواحی شرقی ترک گفت (۶) ترس او از شاه اسماعیل احتمالاً به دلیل مطالبی بوده که در تاریخ عالم‌آرای امینی از سرگذشت پدران او و بویژه **سلطان حیدر** با لحنی تند و مخاصمه آمیز آورده و با حرارت تمام از قتل او و در هم ریختن بساط صوفیان قزلباش جانبداری کرده است. او ناگزیر به مهاجرت گردید و پس از توقیف کوتاه در هرات چون با عدم حمایت صریح از جانب بلاماندگان تیمور مواجه شد ناچار به ماوراءالنهر رفته و به دربار **محمدخان شیبانی** پیوست و **نسب نامه خان و رساله حارثیه و مهمان نامه بخارا** را هنگام اقامت در دربار او نوشت. پس از کشته شدن محمدخان شیبانی در جنگ با شاه اسماعیل در سال ۹۱۶ هـ. ق دوران سرگردانی خنجی آغاز شد. و نهایتاً به دعوت **عبید... خان ازبک** از سمرقند به بخارا رفت و در سال ۹۳۰ هـ. ق کتاب سلوک الملوک را به نام **عبید... خان** تالیف و تقدیم او کرد. (۷)

او هفت سال پایان عمر خود را در شرق گذراند و پس از یک دوره پرتلاش در سال ۹۲۷ هـ. ق دارفانی را وداع گفت. از آثار خنجی تاکنون کتابهای **مهمان نامه بخارا، سلوک الملوک، وسيله الخادم و هدایه التصدیق الی حکایه الحریق** به چاپ رسیده است؛ **ابطال نهج الباطل** او در ضمن نوشته‌های **شوشتری در احقاق الحق** آمده که در ایران با مقدمه مفصل و ارزنده مرحوم آیت... مرعشی به چاپ رسیده است. آخرین اثر منتشر شده او عالم‌آرای امینی است که به تصحیح جان‌وودز در سلسله انتشارات «انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی در بریتانیا» کبیر و ایرلند» به سال ۱۹۹۲ میلادی با مشخصات زیر در اختیار علاقمندان قرار گرفته است.

Fadlullah b, Ruzbihankhunji-Isfahani TARIKH-I-ALAM- ARA-YI  
Persian text by john E. woods with the abridged English translation by AMINI vladimir minoros ky PERSIA IN A.D.(1478-1490)  
(TURKMENICA12) Revised and augmented by john woods Royal Asiatic society-1992  
و با عنوان فارسی:  
«فضل... بن روزبهان خنجی اصفهانی، تاریخ عالم‌آرای امینی، متن فارسی به تصحیح جان‌وودز، همراه با ترجمه مختصر متن توسط ولادیمیر مینورسکی، ایران در سالهای ۱۴۹۰-۱۴۷۸، میلادی (ترکمنیکا شماره ۱۲)، با تجدید نظر و

## درواقع سرسپردگی خنجی به امرای آق‌قویونلو و وابستگی شدید او به حمایت‌های ایشان و همچنین دشمنی صوفیان با آق‌قویونلو او را ناگزیر به پذیرش موضعی تند و ستیزه‌جویانه با صوفیه کرد که سرانجام به مهاجرت او به شرق و پناهنده شدنش به ازبکان انجامید و همین امر از او چهره‌ای کاملاً معارض با صوفیه و به تبع آن تشیع به نمایش گذاشت

تصحیح جان‌وودز، لندن، انجمن سلطنتی آسیایی در بریتانیا کبیر و ایرلند، ۱۹۹۲.

تصحیح جان‌وودز از «عالم‌آرای امینی» در دوبخش انگلیسی (۱۴۱ صفحه) و فارسی (۵۶۳ صفحه) به چاپ رسیده است. پیش گفتار و مقدمه ویراستار و همچنین تلخیص **پرفسور مینورسکی** از اثر خنجی به زبان انگلیسی آمده و پس از آن متن اصلی به زبان فارسی آورده شده است. متن انگلیسی همراه با فهرست مندرجات و اعلام و متن فارسی بدون درج فهرست مطالب و اعلام به چاپ رسیده است.

وودز در پیشگفتار کوتاه خویش ضمن بررسی نحوه آشنایی خود با متن عالم‌آرای امینی به بررسی پژوهشهای محققین پیرامون روزبهان خنجی و آثارش می‌پردازد. او که دوره دکترای تاریخ خود را در دانشگاه تهران گذرانیده و بخش اصلی مطالعات خود را پیرامون دوره مغول تا صوفیه انتخاب کرده در این راستا عالم‌آرای امینی را جهت مطالعه و انتشار انتخاب نمود. ویراستار اهمیت کتاب را به خاطر ثبت رویدادهای دوازده ساله سلطنت **سلطان یعقوب** و سالهای کوتاه پس از آن و مکمل کتاب **دیار بکر به** تالیف **ابوبکر طهرانی** دانسته است. (۸) وودز در تصحیح کتاب، اساس کار خود را بر دوش نسخه خطی قرار داده که نسخه قدیمی‌تر متعلق به «کتابخانه سلیمانیه استانبول» و دیگری متعلق به «کتابخانه پاریس» است. وودز در پایان پیش‌گفتار کوتاه خویش از کسانی که او را در انجام این تحقیق یاری نموده‌اند تشکر می‌نماید. او در مقدمه کتاب عالم‌آرای امینی به‌طور مختصر به شرح زندگانی مؤلف و معرفی آثار او و دیدگاه خنجی در باب تاریخ پرداخته در پایان به ارزیابی عمومی این اثر پرداخته است. **مینورسکی** ایران‌شناس فقیه روسی به سال ۱۹۵۷م. مختصری از عالم‌آرای امینی اثر خنجی را به انگلیسی و با عنوان «بررسی تاریخ بین سالهای ۱۴۷۸ تا ۱۴۹۰ میلادی» منتشر ساخت. وودز این خلاصه را بطور کامل در بخش ابتدایی کتاب آورده است که جهت استفاده انگلیسی‌زبانان از اثر خنجی بسیار سودمند است. مقاله پرفسور مینورسکی با فهرست اعلام مختصری به پایان رسیده و از آن پس در تصحیح و وودز متن فارسی عالم‌آرای امینی آمده است. کتاب عالم‌آرای امینی تصحیح وودز مشتمل بر یک دیباچه و سی و پنج بخش در وقایع و حوادث تاریخی ایران بین سالهای ۸۸۲ تا ۸۹۷ هـ. ق است این ایام شامل تمامی دوران دوازده ساله سلطنت سلطان یعقوب و بخشی از حکمرانی سلطان **ابوالفتح میرزا** یا **پسنگر** و در واقع دوران شکل‌گیری مینه‌های انتقال دائمی قدرت به صوفیه است که یکی از

مهمترین ادوار تاریخی ایران محسوب می‌گردد.

خنجی تاریخ عالم‌آرای امینی را با دیباچه‌ای در مدح سلطان یعقوب آغاز نموده و با نثری بالنسبه متکلف و دشوار و با سرودن اشعاری به زبان فارسی ممدوح خویش را ستوده است. (۹) سپس در بخشی با عنوان «الذکر مناقب چهار یار ابرار» به وصف خلفای راشدین و پس از آن امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پرداخته و به استناد حدیثی از پیامبر حکومت بنی امیه را «یاغی» دانسته و قیام امام حسین (ع) را بر علیه ایشان برحق شمرده است. او در وصف امام علی (ع) حدیث منزلت، غدیر، و یوم‌الختلق را پذیرفته و جنگ امام علی (ع) در جمل و صفین را با عنوان جهاد با اهل‌بغی تبیین نموده و افزوده است که «او در ظلمت قتال جمل و صفین جز چراغ دین نیفروخته و علمای شریعت را سیرت قتال اهل‌بغی آموخته...». پس از آن به وصف امیرالمؤمنین حسن (ع) و امیرالمؤمنین ابی‌عبید... الحسین (ع) پرداخته و ایشان را پایان بخش «مده‌الخلافه بعدی ثلثون سته» دانسته است که «در مقام مبارات بغات قیام نموده و جهت دفع فرقه‌تم یکون بعدذلک ملط غصوص...» اقدام نموده و ایشان را «دو چشم و چراغ پیغمبر و دو ریحان باغ رسالت» دانسته است. ارادات قلبی روزبهان خنجی به ائمه اطهار در تمامی نوشته‌های او به چشم می‌خورد و اینکه او را از دشمنان تشیع دانسته‌اند تا حدودی تحت تاثیر ستیز او با شاه اسماعیل و اجداد او می‌باشد، در واقع سرسپردگی خنجی به امرای آق‌قویونلو و وابستگی شدید او به حمایت‌های ایشان و همچنین دشمنی صوفیان با آق‌قویونلو او را ناگزیر به پذیرش موضعی تند و ستیزه‌جویانه با صوفیه کرد که سرانجام به مهاجرت او به شرق و پناهنده شدنش به ازبکان انجامید و همین امر از او چهره‌ای کاملاً معارض با صوفیه و به تبع آن تشیع به نمایش گذاشت. هنوز تحلیلی جامع و منطقی از نظریات او پیرامون تشیع ارائه نگردیده و امید است که انتشار آثاری از این دست بتواند راه‌گشای بسیاری از مسایل و مشکلات پیرامون این شخصیت برجسته و مذهبی عصر صفوی باشد.

خنجی پس از مدح امام حسین (ع) حکومت بنی‌امیه را بعنوان غاصبان حکومت حقیقی معرفی می‌کند. او تمامی حکومت‌های ایران پس از انقراض خلافت عباسی تا روی کار آمدن آق‌قویونلوها را بررسی کرده و طلوع دولت بایندیری (آق‌قویونلو) را چنین تحلیل نموده است:

«از ستم اولاد چنگیز مدت‌ها ممالک ایران اسیر فتنه و خونریزی بود و بنای رفیع خلافت منطمس و آثار شریعت پروری بالکلیه مندرس گشته تا به امداد الطاف الهی از مشرق تبار باعتبار پادشاه اوغوز دولتی فیروز طالع شد و کوکبدری بایندیری نور اقبال در صفحات عالم لامع گشت نور خلافت که در مغرب بیت حسن تواری یافته الحمدالله از مطلع اهل‌البیت حسن باز بر عالم تافته است و کهن پیر روزگار جوهر ثمین عدالت و تربیت دین را که در ظلمات سواد آل‌عباس گم کرده بود در روز سفید اقبال جدید آق‌قویونلو باز یافته است.»

بخش دوم کتاب با عنوان «بیان خصایص و رفعت‌شان سلاطین بایندرخان...» نامیده شده است که در آن خنجی در اوصاف اشرف ملوک و پادشاهان آورده است که: «اشرف ملوک ملکیت که جامع میان جلال‌تسنسی و طهارت حسبی باشد» (۱۰) از خصایص مورد نظر خنجی درباره حکومتها دو خصلت بیش از همه جلب نظر می‌کند. «آنکه تعصب مذهبی از مذاهب فاسده و ترویج نخله‌ای از نخل کاسده در میان ایشان متوارث نبوده باشد» او این مذهب را شامل «زندقه در اکثر بنی مروان و اعتزال در بعضی خلفای عباسی و تشیع در آل‌بویه و الحاد در بنی صفار» دانسته است. و دیگر آنکه

« منشاء اجداد نه مدن خبیثه باشد و نه بلادفاسده، تا بواسطه تعیش در میان مردم ناجنس ومشاهده اوضاع خبیثه که در نه مدن مجتمعه می‌باشدخصایص ذمیمه در ایشان متمکن باشد...»

او امرای آق‌قویونلو را مجتمع جمیع خصایص وخصایل مزبور دانسته و افزوده است: «طهارت حسببایندرخان و فضیلت ایشان بر سایر ملوک رفیع‌الشان‌روشن و مبین و مثبت و مبرهن است.»(۱۱)

روزبهان خنجی بخش بعدی عالم‌آرای امینی را «در محاسن ابوالنصر حسن‌خان و مجمل ذکر فتوح نامی و مساعی اسلامی آن پادشاه سامی» آورده و جلوس او را براساس آیه قرآنی به حساب جمل برده و آن را وعده‌الهی دانسته است. (۱۲) و پس از آن به بیان دلیل نامگذاری کتاب و «نامی ساختن آن به القاب نامی‌عالیحضرت مالک پناهی ...» پرداخته و با ذکر مناقبامیر کبیرالشان به پایان آورده است.

لازم به ذکر است که منظور از حسن‌خان، اوزون‌حسن (۸۸۲-۸۷۱ ه.ق) است که او را در تواریخ «حسن‌بیک» و «حسن پادشاه» نیز مخاطب می‌سازند.

روزبهان پس از آن به «بیان باعث بر تالیف این کتاب... و شمه‌ای از احوال مصنف» پرداخته در این بخش شرح مجملی از زندگانی خویش و استادانی که از آنها کسب فیض کرده ارائه می‌کند. همچنین چگونگی تقدیم کتاب بدیع‌الزمان فی قصه حی‌بن‌یقظان بهسلطان یعقوب را آورده و اینکه سلطان پس از رویت کتاب بدیع‌الزمان اظهار نموده «اگر تاریخ ما فلان‌نویسد هرآینه چنانکه گفته‌ام ناخوش تواریخ ملوک عالم‌باشد». خنجی سال آغاز تالیف کتاب را در یک مورد ۸۹۲ ه. ق و در مورد دیگری ۸۹۱ ه. ق آورده است (۱۳) که دلیل این تناقض مشخص نیست.

فصل بعدی عالم‌آرای امینی در «بیان رتبت علم‌تاریخ و فواید آن و اجمال ذکر مورخان و اختلاف مقاصدایشان و اشارت به خصایص و مزایای تاریخ عالم‌آرا...» تدوین یافته است. روزبهان خنجی در این بخش ابتدایه بررسی معنای واقعی کلمه «ایام» و «یوم» در عربی‌پرداخته و سپس علم تاریخ را واجد هشت فایده جلیله و مصنفان این علم را نیز هشت طایفه دانسته است. او تاریخ خود را از نوع هشتم تاریخ‌نگاری «در وقایع واحوال یک فرقه از ملوک» ذکر کرده و هفت خصیصه بارز نوشته خود را که موجب برتری آن است شامل این موارد دانسته است: یکم، حسن مطلع و بسط دیباچه، دوم احتراز ذکر اموری که در شریعت غیر مرضی و مشکور است، سیم آنکه اگر از صاحب تاریخ در امور ملک داری احوانا صورتی بظهور آمده باشد که موافق فتوای شریعت نبوده و یا لشکر به ناحیه‌ای فرستاده باشد و قتل و غارتی نموده، اصلا در این کتاب مذکور نشده است چه‌چهارم آنکه داستانها در او بروجهی مذکور گشته که فهم‌مقاصد از آن به آسود و وجه می‌توان نمود پنجم آنکه از اختراع اکاذیب... احتراز نموده و جز چیزیکه از ثقات شنیده یا بدیده عیان دیده در بیان نکشیده، ششم آنکه بطریقی که ادب منشیانست در اثنای کلام به یاد شعرعرا سخن را رواج و نظامی دهند عمل نموده بلکه در غالب بنظم روان که در حالت تحریر مخیله آن را تصویر کرده قانع بود هفتم آنکه اکثر فقرات این کتاب از لطافتی خالی نیست... (۱۴)

روزبهان خنجی در این بخش با صداقت دلایل عدم پرداختن خود را به اعمال خشن و مبتنی بر ظلم و غارت حکومت، ذکر کرده و شاید در این مقدمه ضمن پذیرفتن اعمال ظلم و ستم در حکومت آق‌قویونلو خود را از مضرات بیان صریح آن برکنار داشته است. توجه‌روزبهان خنجی به مباحث نظری تاریخ احتمالا تحت‌تاثیر گفته‌ها و نوشته‌های استادش



نمونه‌ای از دست خط روزبهان خنجی و بخشی از رساله «هدایه التصدیق‌الی حکایه الحریق»

جنید در هوای آرزوی ملک فرو نشست شرر وجود ولدش شیخ حیدر درآمد افروختن گرفته بود. جهال روم که زمره ضلال و جنودشیاطین خیال بودند ناقوس دعوی باطل نصاری را برپا می‌زدند... شیخ جنید را به مجاهده اله و ولدش را ابن‌الله گفتند. (۱۸) او شیخ حیدر را به ترک سیره آباء و اجدادش متهم کرده و آورده است: «بجای درس مقامات معنوی داستان طامات پهلوی خواندی و به‌عوض قلم بر کتاب جلیل شمشیر بر کلاب اردبیل راندی در خانه‌اش جز کمان چله‌گیر نبود... او سپردوزی و تیرتراشی می‌کرد...» (۱۹) و پس از آن «ذکر عصیان شیخ حیدر و لشکر به شروان کشیدن» و پایان کار شیخ و یارانش را چنین توصیف کرده است: «جوانمردان آق‌قویونلو حلقه ایشان را به زخم پیکان و سنان نیزه‌برد داشتند صوفیان بیچاره کناره‌گرفته شیخ علیل را دلیل در دست اعداء باز گذاشتند علی‌آقا قابوچی شر شیخ حیدر را از جهان و سرش را از لاشه ناتوان برداشت و بخدمت امرای کامکار رسانید.» (۲۰)

نوشته‌های خنجی درباره شیوخ اردبیل بدلیل اینکه از معدود نوشته‌های مورخین پیش از به‌قدرت رسیدن صفویه است و همچنین از آن رو که بیانگر میزان نفوذ و تاثیر این فرقه در غرب ایران است و اطلاعات دست‌اول یک شاهد ماجرا را به ما منتقل کرده از اهمیت بسیاری برخوردار می‌باشد و برای مورخین و محققین فواید بسیاری را در بر دارد، هرچند برای نویسنده کتاب متضمن ضرر و زیان بسیار بوده و در عهد شاه‌اسماعیل به دلیل نوشتن همین مطالب مورد تعقیب قرار گرفته و ناگزیر به شرق ایران فرار کرده و به دربار تیموریان و سپس ازبکان پناهنده گردید.

بخش بعدی در «ذکر واقعاتی که در خوزستان بظهور آمده» است که شرحی مختصر از فعالیت‌های مششعیان خوزستان می‌باشد که در دیگر منابع کمتر به چشم می‌خورد. خنجی با ذکر «گفتاری در طریق تصوف» روایات خود را از صوفیان صفویه و مششعیان به پایان آورده و پس از آن به ذکر حوادث سال ۸۹۴ ه. ق پرداخته که با عنوان «ذکر توجه قاضی العلامه امام‌الدین شیخ علی ساوجی به جانب فارس» است.

(۲۱) قاضی صفی‌الدین عیسی ساوجی باسابقه استادی و معلمی سلطان یعقوب، وزیر اعظم متفرد و کامل‌الاختیار او، در سال ۸۹۴ ه. ق برادر خود قاضی امام‌الدین شیخ علی ساوجی به مصاحبت شرف‌الدین شاه محمود دیلمی وزیر با اختیارات کامل برای مساحی اراضی کشاورزی و احصاء مواشی و سایر ممیزی مالیاتها به عراق و فارس اعزام داشت. وی مبالغ زیاد و تحمل ناپذیری از اموال و املاک مردم و

«ساختی» است.

پس از بیان مقدمات کتاب، نویسنده به بیان حوادث تاریخی «از آغاز استیلای سلطان خلیل بعد از وفات حضرت صاحب قرآن بر تخت ایران» پرداخته و آن را تا سال ۸۹۷ ه. ق ادامه می‌دهد. نظر به اینکه خود شاهد بسیاری از وقایع زمان سلطنت سلطان یعقوب و قبل و بعد از آن بوده و همچنین از نظر وسعت اطلاع، مطالب بسیار مفیدی در مقدمه و متن کتاب گنج‌نیده که بسیار قابل توجه است. با وجود آنکه قسمت زیادی از کتاب با عبارت پردازها سیاه گشته، باز هم نسبت به حجم کتاب مطالب بکر و مفیدش بسیار است، بعنوان مثال فصل مشروحی از اجداد پادشاهان صفوی را با عنوان «مجمل داستان مشایخ اردبیل و شمه‌ای از اخلاق نامقبول شیخ حیدر» آورده است. (۱۵) او ضمن روایت‌تخبر طغیان شیخ حیدر می‌افزاید: «چون بعضی از صادرات افعال او مربوط به احوال پدرش بود مجملی از داستان مشایخ اردبیل و ذکر سبب ربط ایشان با مردم روم... مناسب می‌نماید» و ابتدا با ذکر شیخ صفی‌الدین آغاز نموده است: «پوشیده نماند که حظیره اولیای اردبیل همواره مامن ارباب ولایت و مطاف احجاب‌هدایت بوده نخست کسی که علم رفعت آن خاندان بروج ارشاد بر افروخت وحید آفاق شیخ صفی‌الدین اسحاق بود...» (متن) او سپس از ارتباط شیخ صفی‌الدین با مغولان و امرای ایشان و فرستادن هدایا به نزد اوصحبت رانده و همین امر را نیز دلیل بر احتراز فرزندانش دانسته است: «من بنده را در اثنای کتابت این کلام بر خاطر مستهتام عبور کرد که شیخ صفی‌الدین اسحاق که به تقوی نادره آفاق بود چون از لقمه شبهه‌چنانچه سمت ذکر یافت احتراز فرمود دارالملک وجود خود را از تصرف آفت نعیم دنیوی مصون و محفوظ داشتند و از تصرف آن حطام فرزندان ارجمند را ممنوع نگردانید لهدا اثر آن در اولاد او سرایت نموده مال امر بدان منتهی شد که خواستند فقر و خاکساری را به تخت مملکت‌داری بدل نمودن و از سریر مسکنت نزول کرده بر تخت سلطنت عروج کرده بایستی ترک تاج گفته تاج ترک‌گزیدند...» (۱۶)

او تغییر سیاست مشایخ اردبیل را از شیخ جنید دانسته و آورده است: «چون این نواله به شیخ جنید حواله‌شد سیرت اجداد را تغییر داد و مرغ و سوسا در آشیانه‌خانش بیضه هوای مملکت‌داری نهاد...» (۱۷) هرچند نسبت به جنید نظر خوشی ندارد اما از به کار بردن الفاظ تند خودداری نموده است. با اینحال دشمنی خود را در مورد شیخ حیدر پنهان نکرده و در این باره آورده است: «القصه هنگامی که چراغ حیات شیخ

حتی از موقوفات و اماکن مقدسه مذهبی بنام سیورغالات به تصرف در آوردن او هرسو فریاد و اعتراض مردم را باعث شد. «به واسطه مطالبت ربع سیورغال اکثر ابواب البر و خوانق شیراز درها بسته و رونق بقاع الخیر مطلق شکسته شد و مردمان روی اضطراب به حضرت کردگار کردند و لوله و واغوثا بر آوردند» و مردم فارس از ظلم و جور ایشان ناگزیر به علما روی آورده و «چون بشاعت این قبح و شناعة کمال یافت و جماعت اطراف بواسطه این ظلم و اسراف متفرق شدند ضغفاء و عجزه فارس به علمای اعلام اسلام شیراز ملتجی گشتند و التماس نمودند که از این معنی قاضی صفی‌الدین عیسی را باید آگاه ساخت». (۲۲)

بنابه خواهش مردم، **مولانا جلال‌الدین دوانی و ابویزدی دوانی** و همچنین **مولانا قطب‌الدین محمد المحوی** سه تن از روحانیون برجسته فارس «رسایل جلال قلمی فرموده و در تعدیات آن جماعت و وفور ظلم و شناعة بسط لایق نمودند». (۲۳)

اجحافات مالیاتی در اردستان نیز واکنش شدید مردم و علما را باعث شد و «اردستانیان فرارنموده و ملتجی به اردویه همایون شدند و در دیوان عالی زانو زدند و عجز حال خود را به زبان استکانت و ابتهال معروض داشتند و طلیاش در جواب اردستانیان فرمود شما کیستید که بحکم حضرت خواجه راضی نیستید باز گردید والا بر شما شمشیر حکم می‌سازم». (۲۴) مردم اردستان از روی اضطراب به خدمت **شیخ ابواسحاق محمد بن عبدالمطلب نیری** از علمای برجسته رسیده و از او تقاضای رسیدگی کردند. شیخ طی مراسله‌ای به شیخ علی او را از انجام کاربرد خود داشت، اما او از این تهدیدات نهراسیده و بر اجحاف خود ادامه می‌داد تا اینکه به دستور امیر صوفی خلیل در جریان منازعات داخلی قدرت، شیخ علی و حامی‌اش قاضی عیسی به دست جلاّد سپرده شدند.

وقایع فارس در این دوره با این جزئیات در دیگر منابع به چشم نمی‌خورد. از این رو تاریخ امینی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و یکی از منابع اصلی تاریخ اقتصادی و اجتماعی عصر آق‌قویونلو بشمار می‌رود.

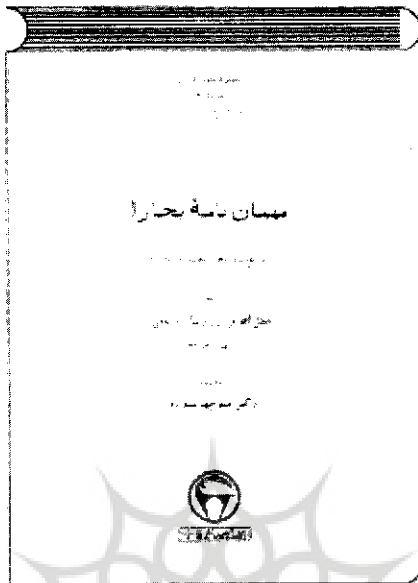
تاریخ عالم‌آرای امینی یکی از منابع قدیمی واصل در مطالعه کاربرد سلاحهای آتشین در جنگ‌هاست. خنجی ضمن روایت لشکرکشی سلطان یعقوب به گرجستان و محاصره قلعه «اخسقا» آورده است: «چون فتح آن حصار به کارزار میسر نیست پختگی این کار محبوب از «قرغان توپ» مطلوب بود لاجرم هر ساعت «توپ» شدیدالصدماّت بر دیوار حصار صدمتی می‌نموده همچو صدمه هادم‌اللذات و بنای کفار صاحب ادبار را از شداید ضربات توپ گران هر لمحّه حساب حال بود تا به حدی که از توپ بیابای نزدیک بود که جدار آن قلعه از بی‌یفتادی» (۲۵) در جای دیگر آورده است:

«تفصیل آن صورت آنکه نوبتی بر حسب عادت توپی آتشبار به جانب حصار آن کفار انداختند و چون به آن شرر نار بود کفار به اطفاء آن نار مشغول شدند». (ص ۲۲۲ متن) همچنین ذیل وقایع سال ۸۹۴ ه. ق در شرح لشکرکشی به گرجستان نیز از کاربرد توپ ذکر کرده که بر اساس این اخبار می‌توان به ادوات و لوازم توپ در آن عهد پی برد که شامل «دیگ توپ» و وسایلی است که از چوب ساخته می‌شده است. خنجی در این باره آورده است «... و باب پیکار گشودند آتش جنگ در خروش و قرغان توپ در جوش بود استدراج‌بزدانی که چند روزه زندگانی آن ملاعین در و اندراج داشت چنان اقتضاء کرد که آتش قضا برافروخت و اسباب توپ به جملگی بسوخت و نه عجب اگر توپ را از قرع باب ایشان عار و آتش از

سوختن ایشان در استنکار باشد». (۲۶)

تاریخ عالم‌آرای امینی با ذکر «وفات شاهزاده یوسف و ذکر اسباب مرض حضرت اعلی و ریختن گلبرگ جوانی از شاخ زندگانی» و با این جمله به پایان رسیده است «و بعد از مدتی مدید از وفات سلطان مغفور شدید طایفه طاعیه باغیه او را از قبر بیرون آوردند و به آتش ظلم و تعدی بسوختند و از جهت او اجر و از برای خود وزیر اندوختند». (۲۷)

کتاب تاریخ عالم‌آرای امینی در ۴۴۳ صفحه متن فارسی



## ارادت قبلی روزبهان خنجی به ائمه اطهار در تمامی نوشته‌های او به چشم می‌خورد و اینکه او را از دشمنان تشیع دانسته‌اند تا حدودی تحت تاثیر ستیز او با شاه اسماعیل و اجداد او می‌باشد

به چاپ رسیده است و در پایان متن، دو نامه فارسی **سلطان خلیل و سلطان بایسنقر** به سلاطین عثمانی و پس از آن نیز شرحی مختصر از احوال **قاضی عیسی صدر** و نوشته‌های خطی از بدایع منشی **قزوینی** و با عنوان «جواهر الکلام» آمده که در کتابخانه سن پترزبورگ محفوظ می‌باشد. نوشته بدایع منشی قزوینی گزارشی روان و یکدست از حوادث و رویدادهای سیاسی ایران در زمان سلطنت **بایسنقر میرزا** تا سال ۸۹۸ ه. ق است. نویسنده این گزارش گرایش به صفویه داشته و یکی از اشتباهات بزرگ **یعقوب میرزا** را عدم رعایت صلح و حمایت نایجای او از **فرخ‌یسار** والی شروان و دخالت در شهادت سلطان حیدر می‌داند. این متن مختصر در بررسی حوادث سالهای پایانی حاکمیت آق‌قویونلو مفید است. چاپ کتاب «تاریخ امینی» همراه با نوشته عالمانه پرفسور مینورسکی به زبان انگلیسی کمک بسیاری به محققین و مورخین ایرانی است که تا کنون به منبعی باین اهمیت دسترسی نداشته‌اند. هر چند متن فارسی بدون فهرست مطالب و اعلام به چاپ رسیده و علاوه بر آن اشتباهاتی اندک در نسخه خوانی صورت پذیرفته، اما کاری است مفید و موثر در شناخت اوضاع اجتماعی و سیاسی ایران در آستانه روی کار آمدن صفویه که مصحح به خوبی و با موفقیت به انجام آن توفیق

یافته‌است.

آثار و نوشته‌های خنجی در زمینه‌های فقهی-سیاسی و تاریخی از منابع اصیل و ارزنده ایران قرن نهم و دهم هجری است، اما متأسفانه هنوز شناختی تحلیلی و صحیح از او و آثارش به انجام نرسیده است، انتشار نوشته‌هایی از این دست می‌تواند راهگشای بسیاری از مسایل ناگفته پیرامون او و شخصیت استثنایی‌اش باشد. خنجی اگر چه نتوانست بخوبی روح زمانه‌اش را درک کرده و متناسب با آن پیش رود. اما با مخالفت‌های خود با صفویه و با برجای گذاشتن آثاری در زمینه‌های سیاسی و تاریخی، فرصتی مناسب و ایده‌آل را برای محققین و پژوهشگران بوجود آورد تا ایران عصر صفوی را از دیدگاه یک اندیشمند «سنت‌گرا» و در عین حال مخالف با جریان‌ات عصر، بررسی کرده و ایشان را در فهم صحیح تحولات اجتماعی و فکری ایران کمک کند تاریخ عالم‌آرای امینی نیز به عنوان یکی از آثار ممتاز و منحصر بفرد اواخر قرن نهم، نیازمند بررسی و توجه و کنکاش بیش از پیش می‌باشد که این امر بر عهده مورخین و محققین معاصر ایران زمین است

### پانوشته‌ها:

- ۱- سخاوی، الضوء اللامع، قاهره، ۱۳۵۴، جلد سوم، جزوه ششم، ص ۱۷۱.
- ۲- روزبهان خنجی، عالم‌آرای امینی، به تصحیح جان ووڈز، لندن، ۱۹۹۲، ص ۷۱.
- ۳- بایسنقر میرزا (۸۹۷-۸۹۶ ه. ق) از سلاطین آق‌قویونلو است که پس از سلطان یعقوب به قدرت و پس از کنار گذاشته شدن رستم به جای وی نشست.
- ۴- ایرج افشار، «رساله‌ای ناشناخته از فضل‌الله بن روزبهان خنجی» یادنامه ایرانی مینورسکی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸ ه. ش. ص ۳۵-۵.
- ۵- روزبهان خنجی، وسیله الخادم الی المخوم، به کوشش رسول جعفریان، انتشارات کتابخانه مرعی، قم، ۱۳۷۲ ه. ش.
- ۶- روزبهان خنجی، مهمان‌نامه بخارا، به کوشش منوچهر ستوده، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۵۵، ص ۳۵۱.
- ۷- روزبهان خنجی، سلوک الملوک، به تصحیح محمدعلی موحد، انتشارات خوارزمی تهران، ۱۳۶۲ ه. ش.
- ۸- ابوبکر طهرانی، کتاب دیاربکر، به تاریخ حسن بیگ آق‌قویونلو و اسلاف او و آنچه بدان متعلق است از تواریخ قرقویونلو و چغانای، جزء اول و جزء ثانی، به تصحیح و انضمام تجاتی لوغال فاروق سومر، با مقدمه و حواشی فاروق سومر، کتابخانه طهوری، تهران، چاپ دوم، ۱۳۵۶ ه. ش.
- ۹- فضل‌الله بن روزبهان خنجی، اصفهانی، تاریخ عالم‌آرای امینی، تصحیح جان ووڈز، لندن، انجمن سلطنتی مطالعات آسیایی در بریتانیا، کبیر و ایرلند، ۱۹۹۲، ص ۱۰-۱ (متن)
- ۱۰- همان، ص ۲۲ (متن فارسی)
- ۱۱- همان، ص ۲۹ (متن فارسی)
- ۱۲- همان، ص ۳۲ (متن فارسی)
- ۱۳- همان، صص ۷۲ و ۲۲۷ (متن فارسی)
- ۱۴- همان، ص ۹۴ (متن فارسی)
- ۱۵- همان، ص ۲۵۷ (متن فارسی)
- ۱۶- همان، ص ۲۶۵ (متن فارسی)
- ۱۷- همان، ص ۲۶۶ (متن فارسی)
- ۱۸- همان، ص ۲۷۲ (متن فارسی)
- ۱۹- همان، ص ۲۷۳ (متن فارسی)
- ۲۰- همان، ص ۳۰۴ (متن فارسی)
- ۲۱- همان، صص ۳۱۹-۳۱۲ (متن فارسی)
- ۲۲- همان، ص ۳۶۸ (متن فارسی)
- ۲۳- همان، ص ۳۷۱ (متن فارسی)
- ۲۴- همان، ص ۳۲۱ (متن فارسی)
- ۲۵- همان، ص ۳۴۵ (متن فارسی)
- ۲۶- همان، ص ۴۴۳ (متن).